

یک خاطره، یک عکس

من آنجا بودم

سکوت توپری ماشین‌رو گرفته بود- در واقع

خفه‌خون گرفته بودیم.

و تندتر از اونچه که باید و شاید در حرکت بودیم. یک لحظه ترمز نگرفت یا چی شد، یادم نیست. ماشین لیز خورد و برای خودش می‌رفت به حاشیه جاده.

با همون سرعت وارد یک مزرعه شدیم که پر بود از نی‌های بلند.

تا چشم کار می کرد، سبزی بود.

و افتادیم در جایی که تا حالا ندیده بودم.

فکر کردم مردیم و اینجا، یک سرزمین خوشحاله.

که ناگهان اطراف ماشین پر از آدم‌های محلی شد که برای کمک اومده بودن.

این بار، دیگه خیلی دیرمان نشده بود.

هوا خیلی تاریک شده بود.

دوستم یک آن، لیخندی توی آینه زد- با خودش-

یک لیخند محو، ولی عمیق.

نمی‌دونم چِرا، شاید چون مضحک به نظر می‌رسید که زنده‌ایم، یا حتی اینکه ماشین سالم مونده.

برمی‌گشتیم از سفر؛

سفری که بی‌مقصد بود و بی‌جهت.



هفته گذشته مراسم شانزدهمین سالگرد خانه عکاسان ایران در سالن مهر حوزه هنری با حضور تنی چند از عکاسان و با تقدیر از استاد علی شقاقی برگزار شد.خانه عکاسان ایران تنها نهاد عکاسی در کشور است؛ نهادهی که برخلاف دیگر نهادهای هم‌نامش در دیگر حوزه‌های هنری مانند گرافیک، کاریکاتور، تئاتر یا سینما سازمانی صنفی نیست و تحت قیمومیت حوزه هنری سازمان تبلیغات قرار دارد.حتی این نهاد به ظاهر صنفی از داشتن هیات مدیره‌ای که ماهیت صنفی داشته و شامل چندین عکاس مطرح باشد که توانایی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای فعالیت‌های خانه خود داشته باشند هم در زمان فعلی بی‌بهره است و رتق و فتق امور توسط همان رئیس انتصابی انجام می‌شود. همچنین خانه عکاسان عضوی ندارد و معمولاً مهمانان خود را برای این نوع از مراسم‌ها بر اساس سلیاق و روابطی که در آن مقطع زمانی دارد، انتخاب و دعوت می‌کنند و طبیعتاً این مهمانان همواره از دربرگیری مناسب برخوردار نبوده‌اند.

آغاز و تشکیل خانه عکاسان

حوزه هنری در فاصله سال‌های اوایل دهه ۷۰ شمسی روزهای پررونقی را در حوزه‌های مربوط به فعالیتش می‌گذراند. همچنین حوزه به برگزاری جشنواره‌های عکس کودک و نوجوان سوره توانسته بود در بخش عکس هم فعالیت‌های خوبی داشته باشد.مدیریت این جشنواره‌ها با واحد عکس حوزه بود. در آن سال‌ها احمد ناطقی رئیس سابق خانه عکاسان ایران مدیر این واحد بود. وی که توانسته بود به واسطه برگزاری خوب و فراگیر جشنواره کودک و نوجوان سوره و همچنین بین‌المللی برگزار کردن آن پس از طی دو دوره کارنامه خوبی از خود به جا بگذارد، تصمیم به توسعه واحد عکس حوزه گرفت و نام خانه عکاسان ایران را بر آن نهاد و خانه عکاسان ایران در سال ۷۳ هم‌زمان باوچ فعالیت‌های حوزه هنری تاسیس شد و ناطقی هم ریاست آن را بر عهده گرفت. هرچند ناطقی تمایل فراوانی برای همه‌گیر بودن فعالیت‌های خانه داشت اما او هیچ وقت نتوانست بالاخره تمامی عکاسان را زیر یک سقف جمع کند و خواسته‌های مشترک آنها را در نهاد خودبنیش جامه عمل بپوشاند. در زمان وی نیز خانه عضو و هیات مدیره‌ای از نوع هیات‌مدیره‌های صنفی نداشت و تقریباً امور بر کاکل رئیس و همفکرانش می‌چرخید. البته خدمات فراوان خانه عکاسان در زمان ناطقی بر کسی پوشیده نماند و وی توانست با برگزاری دائمی نمایشگاه و چاپ چندین کتاب و برگزاری جشنواره‌های عکاسی کمک شایانی به توسعه عکاسی در زمان خودش کند اما به هر حال از همه‌گیر بودن به گونه‌ای که خانه عکاسان، خانه‌عکاسان باشد، طبیعتاً به دلیل ماهیت غیرصنفی این نهاد بازماند و در جشن‌های سالگرد خانه که در زمان وی بر گزار می‌شد نیز همواره غایبانی درخور وجود داشت.

فشرده‌سازی عکس‌ها

عکس‌ها می‌توانند به دو صورت فشرده شوند؛ فشرده‌سازی بدون از دست دادن اطلاعات. این فشرده‌سازی شبیه به کاری است که WinZip انجام می‌دهد.

شما می‌توانید هر فایلی را در حافظه کامپیوترتان با WinZip فشرده کنید، فایل حجم کمتری را اشغال خواهد کرد. هنگامی که فایل را بازبایی (Extract) می‌کنید، اطلاعات بازبایی‌شده کاملاً مشابه اطلاعات اولیه خواهند بود. TIFF و RAW فرمت‌هایی هستند که بدون از دست دادن اطلاعات، آن را ذخیره می‌کنند.

فشرده‌سازی با از دست دادن اطلاعات: فشرده‌سازی با از دست دادن اطلاعات در عکس‌ها، کاملاً مشابه خلاصه کردن یک متن است. شما می‌توانید یک متن ۱۰صفحه‌ای را در ۹ یا حتی یک صفحه خلاصه کنید، اما نمی‌توانید با داشتن متن

سرنجام با تغییر رئیس حوزه هنری یعنی رفتن

حجت‌الاسلام زم و سپردن سکان به حسن بنیانیان در راستای کوچک‌سازی حوزه هنری فعالیت‌های خانه نیز محدود شد و در نهایت اختلافات فراوان این دو رئیس به تغییر ناطقی و آمدن رسول اولیازاده انجامید.

خانه همان خانه است

اولیازاده با ورود خود خواست تغییراتی را ایجاد کند که تغییر مدیر جدید را همگان احساس کنند او حتی پس از ورود، رنگ سبزر مورد علاقه رئیس پیشین را که بر در و دیوارهای خانه بود به رنگ سفید که نشانه صلح و دوستی است، تغییر داد.

در روش هم سعی کرد با منتقدان دیروز خانه روابط حسنه‌ای برقرار کند اما این فعالیت‌ها فایده‌ای نداشت چرا که دوستان پیشین خانه که از انتصاب ضریبالاجلی از نیز متعجب بودند به منتقدان بسیار جدی امروز او تبدیل شدند. اولیازاده با تاسیس آژانس عکس سوره و برگزاری چند نمایشگاه و بزرگداشت و برقراری ارتباط از بین برد. از آن طرف منتقدان جدی وی نیز هر روز جدی‌تر می‌شدند و از انجام هر گونه همکاری امتناع می‌ورزیدند. اما کم‌کم با پررنگ‌تر شدن مشکلات مالی و محدود شدن فعالیت‌های خانه و همچنین عدم وجود هیچ ایده و استراتژی مشخصی برای اداره خانه و نبود

به مناسبت سالگرد خانه عکاسان ایران

در خانه اگر کس است، یک حرف بس است

همکاران و همفکران تاثیرگذار در حوزه عکاسی باعث شده نه تنها هزمونی خانه از بین برود بلکه این نهاد نسبتاً موثر دیگر در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها آنچنان که باید، از طرف دیگران جدی گرفته نشود.

خانه عکاسان ایران امروز با برگزاری نمایشگاه‌های مستمر عکاسی و کلاس‌های آموزشی و برگزاری جشنواره‌های عکاسی و البته سفارشی چون «ها می‌توانیم» که همگی به جز جشنواره‌های عکاسی سفارشی یادگار مدیریت سابق خانه نیز هست باز هم نتوانسته‌ان در بر گیری و فراگیری‌ای که مورد نظر است را به دست بیاورده وضعیتی که به پیش‌بینی بیشتر منتقدان شبیه شد تا به رقابت رئیس جدید.

جشن شانزدهم

مراسم بزرگداشت شانزدهمین سالگرد تاسیس خانه عکاسان، ۱۸ مهر همراه با بزرگداشت علی رئیس شقاقی به عنوان پیشکسوت عکاسی تبلیغاتی و صنعتی در خانه عکاسان برگزار شد.

رئیس خانه عکاسان در این مراسم بیان کرد: این خانه امروز ۱۶ساله شد و به بلوغ رسید. اکنون می‌توان از آن تکلیف خواست و بازخواستش کرد.

رسول اولیازاده ادامه داد: هر سال در سالگرد خانه عکاسان مراسم تجلیل و نمایشگاه «۱۰۰ عکس از ۱۰۰ عکاس» را داشتیم اما اکنون چهار سال است که این



بار دیگر عکس ساختگی

نیویورک تایمز عذرخواهی خود را پیرامون عکس‌های صحنه‌سازی‌شده در گزارش هنری‌ای که اواخر سپتامبر منتشر شده بود، اعلام کرد. به گزارش عکس آنلاین این عکس‌ها بازدیدکنندگان موزه را در حال تماشای نمایشگاه نشان می‌دهد، اما در حقیقت کسانی که در تصویر دیده می‌شوند، کارکنان موزه هستند. مسوولان موزه از این افراد خواسته بودند در گالری‌های موزه حضور یابند تا عکس‌هایی که از بازدیدکنندگان نمایشگاه گرفته می‌شود از تناسب و ترکیب درستی بر خوردار باشند. برخی از عکاسان زمانی که نمایشگاه هنوز برای بازدید عموم مردم افتتاح نشده است، از چنین روش‌هایی استفاده می‌کنند. چنین عکس خبری صحنه‌سازی‌شده‌ای، متناقض با استانداردهای تایمز است و نباید آنها را منتشر کرد. نظرات مختلفی درباره این موضوع وجود دارد. عمدای بر این باورند که چنین کاری آنچنان هم مساله

سال پنجم ■ شماره ۱۰۸۸ ■ یکشنبه ۲۵ مهر ۱۳۸۹

برعکس ۱۵



به مناسبت سالگرد خانه عکاسان ایران

در خانه اگر کس است، یک حرف بس است

فخرالدین فخرالدینی، محمد ستاری، رسول اولیازاده، مسعود زنده‌روح‌کرمانی و دیگر اعضای هیات داوران این جشنواره اهدا شد.

محمد مهدی رحیمیان دبیر بخش رقابتی جشنواره نیز در این مراسم بیان کرد: کتاب نمایشگاه مراحل پایانی انتشار خود را طی می‌کند و امیدوارم بتواند در حوزه عکاسی و گرایش فرم راهگشای مناسبی برای ادامه مسیر باشد. او توضیح داد: متأسفانه خانه عکاسان به دلیل فضای بسیار محدود نمایشی، امکان عرضه بیش از ۱۲۰ عکس را ندارد بنابراین بعد از جلسات طولانی دایری مجبور شدیم ۸۰ عکس را در زمینه مسابقه و فرم و ۴۰ عکس نیز از گنجینه خانه عکاسان به نمایش بگذاریم. در ادامه کتاب نمایشگاه توسط دبیر جشنواره رونمایی شد و او توضیح داد: در این کتاب هشت صفحه به هر یک از اساتیدی که تجلیل شده‌اند، اختصاص یافته و در مجموع کتاب ۲۰۰ صفحه و به دو زبان فارسی و انگلیسی است.

سپس بیانیه هیات داوران توسط علی‌اکبر صرامی که اجرای این مراسم را برعهده داشت، قرائت شد و اعضای هیات داوران شامل «محمد مهدی رحیمیان»، «فشین شاه‌رودی»، «رسول اولیازاده»، «محمد غفوری»، «فرهاد فخراهن»، «مسعود زنده‌روح‌کرمانی» و «محمد خدایمان» سه نفر برگزیده جشنواره شانزدهمین سالگرد تاسیس خانه عکاسان را معرفی کردند.

جواد عسگری، مهدی فلاخوی‌نژاد و زهرا ناظری به عنوان نفرات اول تا سوم این جشنواره معرفی شدند و در بخش پایانی مراسم عکس یادگاری با حضور تمام شرکت‌کنندگان گرفته شد. سپس عکاسان حاضر در مراسم عکس یادگاری گرفتند و دو نمایشگاه بخش مسابقه «در جستجوی فرم» و ۴۰ عکس گنجینه خانه عکاسان در گالری خانه عکاسان و گالری شماره دو در معرض دید عموم قرار گرفت.

و اما…

به نظر می‌رسد خانه عکاسان دیگر باید به نقش اصلی و تاثیرگذار خود برگردد و البته این مستلزم همکاری همه افراد عکاس است. در همه این سال‌های وجود خانه عکاسان، همواره منتقدان حرف خود را می‌زند و رئیس هم کار خود را انجام می‌داده است. حتی رئیس جدید که اکنون چهار سال از زمان حضور او در خانه عکاسان می‌گذرد نیز این رفتار را به ارث برده است.

بسیار جای سوال است که چرا هیچ وقت در این سال‌ها نشستی برای از بین بردن کدورت‌ها برگزار نشد. در عکس دسته‌جمعی سالگرد امسال جای بسیاری خالی است. البته عکاسان زیادی هم حضور دارند اما عدم حضور عکاسان توانمندی که بعضاً سال‌های پیش حضور پررنگ‌تری داشتند قطعاً نقطه قوتی محسوب نخواهد شد.

فکری پلانک

گفت‌وگوی اختصاصی با دیوید لیسون عکاس دالاس مورنینگ‌نیوز

دوربینت را به سمت طبیعت بچرخان

دیوید لیسون در شهر آبیلینه ایالت تگزاس به دنیا آمد، دوران کودکی‌اش با دوربینی که پدرش به او هدیه داده بود سپری شد و در ۲۰سالگی به بعد برای اولین بار وارد مطبوعات شد و عکاس خبری را به صورت جدی پی گرفت و علاقه و جدیت او باعث شد بتواند به بیش از ۶۰ کشور جهان سفر کند.

او به خاطر دارد که پدرش همیشه از دیوید به خاطر اینکه دوربینش را هیچ وقت به سمت خانواده‌اش نمی‌گرفت، شکایت می‌کرد. او اینک دوربینش را به سمت خانواده بزرگش یعنی جهان پیرامونش نشانه رفته است.

سال ۲۰۰۴ جایزه «پولیتزر» و در سال ۲۰۰۵ جایزه «ورلدپرس فوتو» را به خاطر عکس حمله آمریکا به عراق از آن خود کرد. او که دوران میانسال‌ی را می‌گذراند با خنده می‌گوید: «دوربین‌ها را به سمت طبیعت بچرخانید.»

– چه چیز برای نخستین بار شما را به سمت عکاسی از جنگ کشید؟

من هیچ‌گاه مجذوب عکاسی جنگ نشدم، بلکه شرایط انسان‌ها برایم اهمیت دارد. ماجراهایی که زندگی همه ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند برایم اهمیت دارند. مردم برایم مهم‌اند. ممکن است از جواب من تعجب کنید. من خودم را عکاس جنگ نمی‌دانم. من فقط عکاس یک روزنامه هستم و فقط زمانی به جنگ می‌روم که از من خواسته شود و خودم هم باور داشته باشم که ماجرا باید نقل و به تصویر کشیده شود. عکاسان واقعی جنگ کسانی هستند که تمام عمرشان را در جنگ‌ها سپری می‌کنند و از ابتدا تا انتهای جنگ‌ها حضور دارند.

– در یکی از نوشته‌هایت اعتراضت را به جنگ و سیاست حاکم بر دنیا خوانده‌ام. نکته‌ای که نظرم را جلب کرد این بود که چرا هنوز در این ژانر عکاسی می‌کنی؟ منظورم این است که چرا به شاخه‌ای دیگر از عکاسی روی نیاورده‌ای مثل طبیعت یا مستند اجتماعی؟

اعتراض من به جنگ و شرایط حاکم دلیل خوبی برای ماندنم است. دوربین در دستی که به ماجراها اهمیت می‌دهد ابزار قدرتمندی است برای ایجاد تحول. البته در عکاسی طبیعت هم دوربین می‌تواند این قدرت را داشته باشد و جالب است بدانید من گاهی به سراغ عکاسی از طبیعت می‌روم. همیشه آرزو دارم عکس‌هایم بتواند صلح و آرامش را به محیط‌های درگیر جنگ هدیه کند. معتقد نیستم که عکس‌هایم به این مرحله رسیده‌اند اما تلاشم را می‌کنم.

– ویژگی حرفه‌ای یک عکاس جنگ چیست؟

باید غم مردم را بخورد.

– دلخراش‌ترین صحنه‌ای که در این سال‌ها در جنگ دیده‌ای چه بوده است؟

همیشه از آزار و اذیت کودکان رنجور می‌شوم. به عقیده من تمامی فرهنگ و اعتبار انسان از ابتدا در عشق بین خانواده و بچه‌ها شکل می‌گیرد. جنگ همیشه این ارتباط را از بین می‌برد و زندگی کودکان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این اتفاقات زخم‌های عمیقی در درونم ایجاد می‌کنند. اگرچه می‌دانم این دردهای احساسی من به هیچ وجه با از دست دادن این موجودات دوست‌داشتنی برابری نمی‌کند.

– بهترین عکسی که تاکنون گرفته‌ای کدام است؟

عکس‌هایم را زیاد دوست ندارم. گاهی دیگران آن عکس‌ها را تحسین می‌کنند و از این بابت متشکرم. کسانی که چیزهای بزرگی در آثار من می‌بینند برایم قابل احترام هستند، اما همیشه فکر می‌کنم عکس‌هایم می‌توانستند بهتر باشند. در واقع کمتر به عکس‌های قبلی خود نگاه می‌کنم مگر آنکه مجبور باشم. ترجیح می‌دهم آینده را مد نظر داشته باشم. اما اگر مجبور به انتخاب باشم فکر می‌کنم عکسی که از یک کودک بی‌خانمان در حال رفتن به مدرسه در خیابان‌های تاریک دالاس گرفتم‌ام بهترین است.

– چرا این عکس؟

چون تصویری نمادین از همه ناهنجاری‌های جامعه‌ای است که جایی در دنیای ما وجود دارد که باید آن را بهتر بشناسیم. کسانی که به لحاظ مالی در رفاه به سر می‌روند باید همیشه آرزوی کمک به فقرا را داشته باشند.

– آیا تا به حال آرزو کرده‌ای که ای کاش به جنگ نیامده بودی؟

همیشه و هرگز. منظورم این است که خرسندم از اینکه فرصتی دارم تا از واقعیت به بهترین شکلی که می‌توانم سخن بگویم و همیشه متأسفم از اینکه شاهدهی هشتم بر دردهای جنگ.

– شما همسر و چهار فرزند داری، چطور بین خانواده و شغل پرخطر

توازن ایجاد می‌کنی؟

همسر و بچه‌هایم می‌دانند که شغل من ممکن است در دنیا تغییری ایجاد کند اما به خاطر داشته باشید که من عکاس جنگ نیستم. به جنگ‌های زیادی رفته‌ام اما برای مدتی کوتاه. در جنگ عراق فقط شش هفته آنجا بودم و برنامه‌ای برای بازگشت به آنجا ندارم.

– در ابتدا کدام عکاس الگوی شما بود؟

دان مک‌کولین عکاس مشهور ویتنام. وقتی نوجوان بودم تاثیر زیادی بر من گذاشت.

– اختلاف نظرهایی در خصوص استفاده از دیجیتال یا آنالوگ وجود دارد، نظر شما چیست؟

بستگی به این دارد که در نهایت در کجا بخواهیم از عکس استفاده کنیم. اگر عکاس خبری هستی بهترینش استفاده از دیجیتال است. اگر طبیعت را عکاسی می‌کنید بهتر است از ناگتیب استفاده کنی اما دنیا در حال تغییر است و دیجیتال انتخاب اولیه همه عکاسان دنیا خواهد بود.

– عکس‌هایت را خودت ادیت می‌کنی؟

مراحل مختلف دارد. اول من ادیت می‌کنم سپس ادیت نهایی را ادیتور روزنامه انجام می‌دهد.

– نقش تحولات دیجیتال در عرصه خبری را چگونه می‌بینی؟

استفاده از دوربین‌های دیجیتال ویدئویی جزئی از کار عکاسان خبری شده است. البته ویدئو هیچ‌گاه جای تصویر ثابت را نمی‌گیرد اما دوربین‌هایی که برای گرفتن تصاویر ثابت استفاده می‌شوند می‌توانند همین دوربین‌های ویدئویی باشند.

– برای فرار از عکاسی جنگ به عکاسی از طبیعت روی آورده‌اید؟

عشق من به عکاسی طبیعت پناهگاهی برای آرامش یافتن از این دنیای خشن و درهم است اما به طبیعت نباید به عنوان وسیله‌ای برای فرار نگاه کرد بلکه باید به این درک برسیم که طبیعت جلوه‌ای است از وحدت؛ وحدتی که در آن قدرت و نژاد و ثروت و ملیت بی‌معناست. تمام تلاش من در عکاسی از جنگ یا مسائل اجتماعی یا خبری این است که چراغی هر چند کوچک را برای رسیدن به این هدف والای طبیعت یعنی وحدت روشن نگه دارم.

گالری

نام‌نمایشگاه	عکاس	نام گالری	ساعت	اختتامیه
دختران سرزمین من	ساسان مودی	عسکخانه شهر	۹ تا ۱۷	۲۶ مهر
من‌های من	هوفر حقیقی	کافه عکس	۱۵ الی ۲۱	-----
جهان واقعی روزمره	رحمان مجرد	نگارخانه سوره	۹ الی ۱۹	۲۷ مهر
عکس‌های قاجاری	کاخ گلستان	موزه ملی ملک	۱۰ الی ۱۵	۲۷ مهر
سیل پاکستان	مرتضی نیکوبدل	باغ فردوس	۱۰ الی ۱۵	۳۰ مهر
اندرونی	نمایشگاه گروهی	گالری هما	۱۰ الی ۱۹	۲۸ مهر
-----	نمایشگاه گروهی	راه‌ابریشم	۱۱ الی ۱۹	۴ آبان
کودکانه	فاطمه خاوه‌ای	فرهنگسرای آفتاب	۹ الی ۱۹	۶ آبان
گزارش جن ...	امین شاهد	مهروا	۱۷ الی ۲۱	۵ آبان
حزب آب	نیلوفر تقی‌پور	موزه پایداری	۹ الی ۸	اول آبان